

شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی

مجید رحیمی*، حمید محمدی**

طرح مسأله: مطالعه حاضر در پی ارزیابی تغییرات رفاهی و شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی تعیین‌کننده فقر در میان خانوارهای روستایی منتخب ایران است. بررسی تغییرات رفاهی خانوارهای منتخب روستایی برای دوره ۸۲-۱۳۷۹ صورت گرفته است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های مطالعه، بالاترین سهم (۴۰ درصد) مخارج زندگی در میان خانوارهای منتخب روستایی مربوط به مخارج خوراکی و دخانی می‌باشد. پس از هزینه خوراکی و دخانی، بالاترین سهم به هزینه مسکن تعلق دارد. مشخص شد متوسط مخارج سرانه سال ۸۲ در تمامی دهک‌ها از متوسط مخارج سرانه سال ۷۹ بیشتر است.

نتایج: نتایج حاصل از شاخص فقر حاکی از آن بود که درصد افراد فقیر روستایی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۷۹/۸ درصد و ۴۵/۸ درصد بوده است. نتایج حاصل از تخمین عوامل مؤثر بر فقر نشان داد که در مناطق روستایی با افزایش سن سرپرست خانوار، سرپرستی خانوار از سوی مردان، افزایش درآمد پولی و غیرپولی کشاورزی، انتقال اشتغال از سایر بخش‌ها به بخش زراعت، افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار، احتمال این‌که یک خانوار از زیر خط فقر به بالای خط فقر ارتقاء یابد، افزایش می‌یابد؛ در حالی‌که افزایش بعد خانوار می‌تواند احتمال کاهش رفاه خانوارها را در پی داشته باشد.

کلید واژه‌ها: تغییرات رفاهی، فقر، مخارج مصرفی، خانوار روستایی
تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۸۶/۳/۳۰

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم
<rahime.majid@gmail.com>
** دکتر اقتصاد کشاورزی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم

مقدمه

اصولاً افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشور محسوب می‌شود و تأمین شرایط مطلوب برای زندگی تمامی اقشار جامعه، وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولین اقتصادی هر کشور محسوب می‌گردد. در میان سیاست‌های مختلف کاهش فقر، برخی اقدامات ساختاری مبتنی بر ساز و کارهای اقتصادی - اجتماعی را راه‌حل کاهش فقر می‌دانند. این گروه بر این باورند که فقر پدیده‌ای برخاسته از عوامل اقتصادی - اجتماعی می‌باشد و از این‌رو لازم است راه‌حل آن را در ساز و کارهای پدیدآورنده آن جست. از این منظر پرداخت مستقیم یا توزیع یارانه‌ای کالاها فقط ممکن است در کوتاه‌مدت مورد توجه باشد. اما از سوی دیگر با توجه به اثربخشی زودهنگام و به ظاهر مؤثر پرداخت یارانه، این روش به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین راه انتقال درآمد به گروه‌های کم‌درآمد جامعه است که هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته دارای سابقه طولانی است. اما در سطح جهانی از دو دهه گذشته و به دنبال توصیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مبنی بر حذف یارانه‌ها جهت تسریع رشد اقتصادی در جهان سوم، بحث پیرامون آن رونق گرفته است (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵).

دستیابی به روشی برای شناخت آسان و کم‌هزینه گروه‌های هدف می‌تواند به منزله افزایش کارایی سیستم حمایت از گروه‌های فقیر تلقی گردد. از جمله روندهای مطرح در تدوین برنامه‌های مبارزه با فقر، شناخت جزئی ویژگی‌های گروه‌های فقیر و اتخاذ تدابیر فقرزدایی توأم به جهت‌گیری‌های منطقه‌ای می‌باشد.

با توجه به آنچه عنوان شد می‌توان مهم‌ترین اهداف مطالعه شامل ارائه تحلیل توصیفی از ویژگی‌های خانوارها، بررسی وضعیت فقر و شناخت عوامل تعیین‌کننده آن در میان خانوارهای روستایی ایران می‌باشد.

۱) سوابق پژوهش

در دو دهه اخیر بحث تأمین نیازهای گروه‌های فقیر در کشورهای جهان سوم رونق مضاعفی یافته است و در مطالعات متعددی، ابعاد مختلف فقر مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت برخی از آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

سری نی و اسان (۲۰۰۰) معتقد است که فقیر به افرادی اطلاق می‌شود که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن در سطح حداقل نیستند. رئیس دانا (۱۳۷۹) نیز فقر را عبارت از نارسایی در تأمین نیازهای اجتماعی می‌داند. راولیون (۲۰۰۰) روند تغییرات قیمت‌ها، دستمزدها و فقر را در مناطق روستایی هند بررسی و آن‌ها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار داده است. نتایج بررسی‌های صورت گرفته حاکی از وجود یک رابطه منفی نه‌چندان قوی میان فقر و قیمت‌های مواد غذایی بود. بیرلی (۲۰۰۰) نیز خاطر نشان کرد که در انجام تحقیقات کشاورزی که با هدف کاهش فقر در مناطق روستایی صورت می‌گیرند، باید تلاش شود به تحقیقاتی اولویت داده شود که بهره‌برداران کشاورزی از آن منتفع می‌شوند. اوت کا (۲۰۰۰) معتقد است که گروه‌های فقیر عمدتاً افرادی هستند که بخش زیادی از درآمد خود را به مواد غذایی اختصاص می‌دهند و وابستگی زیادی به درآمد نیروی کار دارند. از این رو توسعه تکنولوژی‌هایی که بتواند عرضه مواد غذایی و همچنین تقاضای نیروی کار را افزایش دهند، به کاهش فقر مساعدت خواهد کرد. اوتساکا (۲۰۰۰) در تحلیل اثر تحقیقات صورت گرفته در زمینه تولید برنج بر روی کاهش فقر نشان داد که احتمال پذیرش ارقام برنج در مناطق پرپایزده بیشتر است.

۲) روش

در این پژوهش ابتدا تغییرات رفاه خانوارهای شهری و روستایی و همچنین کل نمونه به کمک تغییرات در مصرف سرانه واقعی آن‌ها طی دوره ۸۱-۱۳۷۹ مورد تحلیل قرار گرفت.

در تحلیل ویژگی‌های گروه‌های فقیر ابتدا به کمک معیار FGT^۱ خانوارهای فقیر شناسایی شدند. این معیار به صورت زیر است (Datt, 1998):

$$P_{\alpha} = \int_0^{\infty} \left[\frac{Z-X}{Z} \right]^{\alpha} f(X) dX \quad \alpha \geq 0 \quad (1)$$

که در آن X مخارج مصرفی خانوار، $f(X)$ تابع چگالی مخارج مصرفی، Z بیان‌گر خط فقر است و از قبل و بر حسب متغیرهایی که در اندازه‌گیری فقر به کار می‌روند، تعیین می‌شود و α نیز یک پارامتر غیرمنفی است. رابطه فوق را می‌توان به شکل ساده زیر نیز نوشت (Minot & Goletti, 2001):

$$P_{\alpha} = \left(\frac{1}{N} \right) \sum \left(\frac{Z-X}{Z} \right)^{\alpha}$$

که در آن N تعداد جمعیت می‌باشد؛ مقادیر بالاتر α بیان‌گر حساسیت بیشتر شاخص فقر به نابرابری میان افراد فقیر است. آنچه که در حوزه بررسی مطالعه ما قرار می‌گیرد مقادیر ۲ و ۰ یا $\alpha = 0$ می‌باشد که به ترتیب شاخص‌های تعداد افراد فقیر، شکاف فقر، و شدت فقر می‌باشد. بر این اساس و با استفاده از رهیافت دت و جولیف (۱۹۹۹) عوامل موثر بر فقر به صورت تابعی از ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی خانوارها در نظر گرفته می‌شوند. در تحلیل شاخص تعداد افراد زیر خط فقر به عنوان تابعی از عوامل اقتصادی - اجتماعی متغیر وابسته برای خانوارهای بالای خط فقر مقدار صفر و برای سایر خانوارها مقدار یک در نظر گرفته شد. بدین منظور از تخمین‌زن‌های لاجیت استفاده گردید. مدل مورد استفاده به صورت زیر است:

$$I_i = f(Z_i, H_i, P_i, O_i) \quad \begin{cases} I_i = 0 \\ I_i = 1 \end{cases} \quad (2)$$

که در آن Z_i بردار متغیرهای جمعیتی، H_i سرمایه انسانی که به صورت متوسط سال‌های تحصیل اعضای خانوار منظور می‌شود، P_i سرمایه فیزیکی، O_i شغل سرپرست خانوار،

1. Foster Greer Torbek

متغیر وابسته I_i نیز در مطالعه حاضر فقیر بودن یا فقیر نبودن می‌باشد. ارزش صفر برای خانوارهای زیر خط فقر (فقیر) و ارزش ۱ برای خانوارهای بالای خط فقر در نظر گرفته شد. زیرنویس i هم بیان‌گر خانوارها به‌عنوان واحدهای مورد مطالعه می‌باشد. همان‌طور که عنوان شد در مورد شاخص تعداد افراد زیر خط فقر بر اساس مدل مورد استفاده در این مطالعه، متغیر وابسته دو مقدار صفر و یک اختیار می‌کند که لازم است جزئیات بیشتری از این‌گونه مدل‌ها بیان شود.

۲-۱) مدل‌های با متغیر وابسته محدود شده

با توجه به این‌که متغیر وابسته در این مطالعه تنها دو سطح از مقادیر متعلق به افراد واقع در زیر خط فقر و افراد واقع در بالای این خط را در بر می‌گیرد، لذا باید از رگرسیون بروی مدل‌های با متغیر وابسته محدود شده استفاده نمود. در بین این مدل‌ها مدل‌های پروبیت^۱ و لاجیت می‌تواند انتظارات تحقیق را برآورده سازد. مدل لاجیت و مدل پروبیت از لحاظ فرمول‌بندی کاملاً قابل مقایسه هستند ولی در عمل به علت سهولت انجام عملیات ریاضی مورد نیاز، مدل لاجیت نسبت به پروبیت ارجحیت دارد (گجراتی، ۱۳۷۸)، لذا از این مدل در تجزیه و تحلیل‌های تحقیق استفاده شد.

تابع توزیع تجمعی مدل لاجیت به صورت زیر می‌باشد (judge, 1988):

$$p_i = 1 - F(\beta'X) = \frac{\exp(\beta'X)}{1 + \exp(\beta'X)} = \frac{1}{1 + e^{-z}} = \Lambda(.) \quad (۳)$$

$$1 - p_i = 1 - F(-\beta'X) = \frac{\exp(-\beta'X)}{1 + \exp(-\beta'X)} = \frac{1}{1 + e^z} \quad (۴)$$

علامت $\Lambda(.)$ به تابع توزیع تجمعی لاجستیک اشاره دارد و $\beta'X = Z$ می‌باشد. هم‌چنان‌که Z بین $-\infty$ و $+\infty$ تغییر کند p_i بین صفر و یک مقادیر خود را اختیار خواهد

1. Probit Model

کرد و p_i نیز به طور غیر خطی به Z_i (X_i ها) مربوط می‌شود. اما مسأله‌ای که در اینجا در باب تخمین مدل ایجاد می‌گردد آن است که p_i نه تنها بر حسب X بلکه بر حسب β ها هم غیر خطی می‌باشد. این امر بدین معناست که روش معمول OLS دیگر برای تخمین پارامترهای مدل مذکور قابل استفاده نیست. اما به راحتی می‌توان این مسأله را بر طرف نمود و p_i را به صورت رابطه خطی بر حسب پارامترها تبدیل کرد، که با توجه به روابط (۳) و (۴) خواهیم داشت:

$$\frac{p_i}{1-p_i} = \frac{1+e^z}{1+e^{-z}} = e^z \quad (5)$$

نسبت احتمال حادثه مورد نظر به آلترناتیو آن است. چنان‌که از رابطه (۵) لگاریتم طبیعی بگیریم، نتیجه زیر به دست خواهد آمد:

$$L_i = \ln\left(\frac{p_i}{1-p_i}\right) = Z_i \quad (6)$$

همان‌طوری که مشاهده می‌شود L_i نه تنها بر حسب X بلکه بر حسب پارامترها نیز خطی می‌باشد. در این مدل L_i به نام لاجیت معروف می‌باشد.

۲-۲) جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

در این مطالعه از داده‌های جمع‌آوری شده در قالب طرح آمارگیری هزینه خانوار مرکز آمار ایران که به‌طور سالانه در کشور جمع‌آوری می‌شود، استفاده شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی چند مرحله‌ای با طبقه‌بندی خوشه‌ای بود. بر اساس این روش، ابتدا متوسط مخارج زندگی هر خانوار در مناطق روستایی استخراج و با استفاده از رهیافت تحلیل خوشه‌ای^۱ دو مرحله‌ای استان‌های مختلف به سه گروه تقسیم شدند. لازم به ذکر است که بر اساس رهیافت خوشه‌ای دو مرحله‌ای، ابتدا تعداد گروه‌ها مشخص و سپس با استفاده از روش k -میانگین که از تابع فاصله‌ای اقلیدسی استفاده می‌کند مشاهدات در

1. Cluster Analysis

گروه‌ها جای می‌گیرند (جانسون و ویچرن، ۲۰۰۰). بر اساس این روش مشخص گردید بر اساس مخارج متوسط هر خانوار، استان‌ها به سه گروه قابل تقسیم هستند. در ادامه با توجه به فراوانی هر یک از گروه‌ها در مجموع پنج استان شامل مرکزی، خراسان، اصفهان، گلستان و اردبیل از میان آن‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شدند. در مجموع برای سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب تعداد ۱۵۸۸ و ۱۴۳۲ خانوار به‌طور تصادفی انتخاب شد. لازم به ذکر است که برای هر دو دوره ابتدا نمونه یکسانی انتخاب شد اما به دلیل نقص در برخی از موارد، برخی از مشاهدات حذف گردید. در این پژوهش به‌منظور تحلیل اطلاعات از بسته‌های نرم‌افزاری SPSS، Eviews و DAD استفاده شد.

۳) یافته‌ها

در این قسمت اجزای مخارج کل و سهم هر یک از آن‌ها آمده است. لازم به ذکر است که در تحلیل رفاه خانوارها از مخارج سرانه به عنوان متغیر، بیان‌گر وضعیت درآمدی خانوارها استفاده شد. در این رابطه موکرجی و بنسون (۲۰۰۳) براین باورند که مخارج نسبت به درآمد در طول زمان از نوسانات کمتری برخوردار است. از این رو می‌توان آن را به عنوان معیاری از رفاه بالفعل تلقی نمود، در حالی که از این حیث سطح درآمد فقط به‌عنوان معیاری از رفاه بالقوه می‌تواند مورد توجه باشد.

اجزای متغیر مخارج خالص خانوارهای روستایی، میانگین اجزا و سهم هریک از آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، بالاترین درصد مخارج زندگی در میان خانوارهای منتخب با ۴۰ درصد مربوط به مخارج خوراکی و دخانی می‌باشد. پس از هزینه خوراکی و دخانی هزینه‌های مسکن، کالاها و خدمات متفرقه و حمل و نقل و ارتباطات به ترتیب با ۱۴/۷، ۱۰/۲ و ۹/۶ درصد بالاترین رقم را در بین اقلام مخارج زندگی داراست. اقلام دیگر نیز کمتر از ۲۵ درصد را شامل می‌شوند.

جدول ۱: اجزای مخارج زندگی، میانگین و سهم اجزای آن‌ها در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۸۲

درصد	انحراف معیار	میانگین (ریال)	ترکیب مخارج
۴۰/۲	۸۵۰۶۷۱۵	۹۴۴۵۶۹۲	خوراکی و دخانی
۸/۷	۳۴۵۳۶۵۵	۲۰۴۰۳۱۴	پوشاک
۱۴/۷	۲۵۷۹۰۷۷	۳۴۵۲۲۸۹	مسکن
۷/۵	۴۰۶۸۱۰۱	۱۷۷۱۴۷۲	لوازم، وسایل و خدمات خانوار
۶/۷	۳۹۴۹۸۱۴	۱۵۷۵۱۹۱	بهداشتی و درمانی
۹/۶	۵۷۷۰۴۶۶	۲۲۶۳۰۷۷	حمل و نقل و ارتباطات
۲/۳	۱۰۶۹۵۸۱	۵۵۴۳۲۱	تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی
۱۰/۲	۵۱۵۵۷۱۵	۲۳۹۷۹۵۶	کالاها و خدمات متفرقه

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران

۳-۱) ویژگی‌های سرپرست خانوار در مناطق روستایی منتخب

ویژگی‌های سرپرست‌های خانوارهای روستایی منتخب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ در جدول شماره ۲ آمده است. هم‌چنان‌که مشاهده می‌شود، در هر دو سال مورد مطالعه بیش از ۸۶ درصد از سرپرست خانوارها را مردان تشکیل می‌دهند. درصد سرپرست باسواد روستایی در طی دوره منتخب از ۴۷ درصد به ۵۵ درصد افزایش یافته است. این امر را می‌توان ناشی از افزایش درصد افراد باسواد در جامعه و تشکیل خانوارهای جدید که زوج‌های جوان دارای تحصیلات هستند، دانست. سن سرپرست خانوارها در دو سال مورد بررسی تقریباً مشابه بوده است به طوری که درصد سرپرست‌های دارای ۳۶-۵۵ سال در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۳۹/۸ و ۳۸/۱ درصد بوده است. همچنین سرپرست‌های بالای ۶۶ سال در هر دو سال در حدود ۲۰ درصد بوده است. دامنه سنی سرپرست‌ها در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب بین ۸۷-۲۰ و ۹۹-۱۸ سال بوده است که این امر نشان‌دهنده آن است که در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۷۹ دامنه سنی سرپرست‌های خانوارهای

روستایی افزایش یافته است. در این خصوص می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که این امر ناشی از افزایش فشار زندگی ناشی از تورم بوده و باعث شده است سرپرست خانوارها حتی در سنین بالا جهت امرار معاش به فعالیت خود ادامه دهند.

جدول ۲: ویژگی‌های سرپرست خانوارهای روستایی

سال		تعداد	درصد	
سال ۱۳۷۹	جنس	مرد	۱۷۱۷	۸۶/۳
		زن	۲۷۳	۱۳/۷
	سواد	باسواد	۹۳۵	۴۶/۹
		بیسواد	۱۰۵۵	۵۳/۱
	وضعیت تحصیلی	درحال تحصیل	۸	۰/۴
		فارغ‌التحصیل	۹۲۶	۴۶/۶
		بدون پاسخ	۱۰۵۴	۵۳
	سن	۲۰-۳۵	۴۵۰	۲۳/۹
		۳۶-۵۵	۷۴۹	۳۹/۸
		۵۶-۶۵	۳۰۹	۱۶/۴
		بیشتر از ۶۶	۳۷۶	۲۰
	سال ۱۳۸۲	جنس	مرد	۱۲۶۶
زن			۱۶۶	۱۱/۶
سواد		باسواد	۷۸۷	۵۵
		بیسواد	۶۴۵	۴۵
وضعیت تحصیلی		درحال تحصیل	۱۳	۰/۹

ادامه جدول ۲

		فارغ التحصیل	۷۷۴	۵۴/۱
		بدون پاسخ	۶۴۵	۴۵
	سن	۲۰-۳۵	۴۰۳	۲۸/۲
		۳۶-۵۵	۵۴۶	۳۸/۱
		۵۶-۶۵	۱۹۱	۱۳/۳
		بیشتر از ۶۶	۲۹۲	۲۰/۴

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران

۲-۳) ویژگی‌های خانوارهای روستایی در دهک‌های مخارج

ویژگی‌های خانوارهای روستایی استان‌های منتخب در دهک‌های مختلف مخارج در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب در جداول شماره ۳ و ۴ آمده است. متوسط مخارج سرانه سال ۸۲ در تمامی دهک‌ها از متوسط مخارج سرانه سال ۷۹ بیشتر است و این امر به علت افزایش سطح قیمت‌ها مبتنی بر انتظار است. بر اساس نتایج این جداول، درصد خانوارهای برخوردار از برق به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. میانگین افراد شاغل در خانوارهای روستایی منتخب در سال ۷۹ در مقایسه با سال ۸۲ نشان داد که تا دهک ششم این میانگین افزایش و از دهک ششم به بعد میانگین افراد شاغل در هر خانوار در سال ۸۲ نسبت به سال ۷۹ کاهش یافته است. این امر می‌تواند به دو دلیل باشد: اول این‌که خانوارهای مرفه در دهک‌های بالای مخارج ممکن است استراحت بیشتر را به کار بیشتر ترجیح دهند و دوم این‌که بعد خانوارهای منتخب در دهک‌های بالای مخارج (درآمد) در سال ۸۲ نسبت به سال ۷۹ کاهش یافته است و به نسبت میانگین افراد شاغل کاهش یافته است. میانگین افراد محصل در هر خانوار در سال ۷۹ در تمامی دهک‌ها به‌جز دهک اول بیشتر از سال ۸۲ است. همچنین میانگین افراد باسواد در هر خانوار از روند منظمی پیروی نمی‌کند و در برخی دهک‌ها این میانگین بهبود یافته است، در

حالی که در سایر دهک‌ها از این میانگین کاسته شده است. به جز دهک اول، در سایر دهک‌ها درصد خانوارهایی که در منزل از حمام استفاده کرده‌اند در سال ۸۲ افزایش یافته است. بهبود وضع رفاهی خانوارهای روستایی را می‌توان از درصد خانوارهایی که از تلویزیون‌های سیاه و سفید و رنگی استفاده می‌کنند به وضوح مشاهده کرد.

جدول ۳: ویژگی‌های خانوارهای روستایی استان‌های منتخب در دهک‌های مختلف مخارج در

سال ۱۳۷۹

متغیر	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	کل خانوارها
ماشین لباسشویی (درصد)	۱۴/۴	۱۷/۲	۳۳/۵	۳۸/۱	۲۷/۳	۱۰/۲	۵/۷	۱۵/۸	۲۶/۶	۳۶/۳	۲۲/۷
برق (درصد)	۲۶/۴	۲۹/۵	۴۸/۹	۴۹/۵	۳۵/۸	۲۲/۶	۱۷/۵	۲۴/۷	۳۰/۷	۴۱/۹	۳۳
یخچال (درصد)	۷۵/۵	۷۶/۸	۸۲/۵	۸۸/۶	۷۳/۲	۷۴/۶	۷۶/۸	۸۰/۵	۹۰/۹	۹۲/۵	۸۱/۴
آب‌لوله‌کشی (درصد)	۲/۸	۰/۵	۳/۱	۷/۶	۱۴/۶	۵/۶	۲/۱	۵/۳	۶	۵/۶	۵/۳
حمام (درصد)	۱۹/۲	۱۴/۸	۲۴/۷	۲۵/۲	۲۴/۷	۲۳/۱	۱۲/۹	۱۰	۱۹/۶	۲۵/۶	۲۰
تلویزیون سیاه و سفید (درصد)	۵۶/۷	۵۳/۷	۵۱	۵۸/۶	۵۵	۶۶/۷	۶۶/۵	۶۰	۴۸/۲	۴۶	۵۶
تلویزیون رنگی (درصد)	۲۱/۶	۲۲/۲	۳۱/۹	۲۹	۲۹/۸	۳۶/۷	۱۷	۲۶/۳	۴۴/۲	۴۹/۸	۲۹/۸
ویدئو (درصد)	۰/۰۹	۱/۵	۷/۲	۳/۸	۲	۳/۹	۲/۱	۴/۷	۴/۵	۶/۵	۳/۷
افراد شاغل (میانگین)	۱/۵	۱/۶	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۲	۱/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۸	۱/۷
افراد باسواد (میانگین)	۲/۷	۲/۸	۳/۲	۲/۹	۲/۹	۳/۴	۲/۹	۳/۲	۳/۲	۳/۱	۳
افراد محصل (میانگین)	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۵	۱/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۲	۱/۳
بعدخانوار (میانگین)	۴/۶	۴/۷	۴/۹	۴/۵	۴/۸	۵/۴	۴/۹	۵	۴/۸	۴/۴	۴/۸
تعداد خانوار	۲۰۸	۲۰۳	۱۹۴	۲۱۰	۱۹۸	۱۷۷	۱۹۴	۱۹۰	۱۹۹	۲۱۵	۱۹۸۸
مخارج سرانه (ریال)	۵۳۲۹۹۴	۸۵۷۴۷۴	۱۰۸۴۸۴۲	۱۲۸۸۹۱۴	۱۴۹۵۷۱۷	۱۶۹۴۹۸۵	۱۹۱۵۸۹۱	۲۳۳۸۰۶۷	۳۱۹۵۳۹۹	۷۱۷۶۹۹۹	۲۱۸۲۱۳۳

جدول ۴: ویژگی‌های خانوارهای روستایی استان‌های منتخب در دهک‌های مختلف مخارج در

سال ۱۳۸۲

متغیر	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	کل خانوارها
ماشین لباسشویی (درصد)	۱/۷	۱۱/۶	۱۵/۶	۱۹	۲۳/۴	۲۹/۹	۲۸/۴	۴۰/۳	۴۲/۷	۵۴/۱	۲۸/۱
برق (درصد)	۹۸/۳	۹۹/۲	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۳	۹۹/۳	۱۰۰	۹۹/۳	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۵
یخچال (درصد)	۷۳/۹	۹۰	۹۰/۸	۹۲/۲	۹۴/۲	۹۳/۲	۹۱/۲	۹۶/۴	۹۷/۶	۹۵/۹	۹۱/۸
آب لوله‌کشی (درصد)	۸۰/۹	۸۴/۵	۹۲/۲	۹۰/۱	۸۹/۸	۸۹/۱	۹۲/۶	۹۲/۸	۹۰/۲	۹۶/۵	۸۹/۹
حمام (درصد)	۱۳	۲۶/۴	۳۹	۳۳/۱	۴۴/۵	۴۶/۲	۵۸/۸	۶۹/۱	۵۹/۸	۷۵/۳	۴۸
تلویزیون سیاه و سفید (درصد)	۵۲/۲	۳۹/۵	۳۸/۳	۳۴/۵	۳۴/۳	۳۱/۳	۲۵/۷	۱۸/۷	۲۰/۱	۱۸/۸	۳۰/۴
تلویزیون رنگی (درصد)	۲۸/۷	۴۴/۲	۵۱	۵۴/۲	۶۳/۵	۶۳/۹	۶۸/۹	۷۹/۱	۷۸/۷	۸۳/۵	۶۲/۹
ویدئو (درصد)	۹/۶	۱۶/۳	۲۰/۶	۲۲/۵	۲۸/۵	۲۴/۵	۲۹/۸	۳۷/۴	۳۷/۲	۵۰	۲۸/۶
افراد شاغل (میانگین)	۱/۶	۱/۷	۱/۵	۱/۷	۱/۷	۱/۶	۱/۵	۱/۸	۱/۶	۱/۶	۱/۶
افراد باسواد (میانگین)	۳/۴	۳/۱	۲/۹	۲/۸	۳/۲	۳	۳	۳/۲	۲/۷	۲/۷	۳
افراد محصل (میانگین)	۱/۵	۱/۲	۱/۲	۱/۱	۱/۲	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۰/۸	۰/۸	۱/۱
بعدخانوار (میانگین)	۵/۷	۵	۴/۶	۴/۶	۴/۷	۴/۴	۴/۴	۴/۷	۳/۹	۳/۸	۴/۵
تعداد خانوار	۱۱۵	۱۲۹	۱۴۱	۱۴۲	۱۳۷	۱۴۷	۱۴۸	۱۳۹	۱۶۴	۱۷۰	۱۴۳۲
متوسط مخارج سرانه (ریال)	۱۱۲۳۰۸۹	۱۸۲۲۳۴۷	۲۴۰۰۳۲۶	۳۰۳۸۲۷۳	۳۷۱۴۹۶۷	۴۵۰۸۸۷۶	۵۳۹۴۸۴۰	۶۷۴۷۷۶۴	۸۶۷۰۵۸۵	۱۶۰۹۰۴۰۰	۵۷۲۵۹۷۳

به طوری که مشاهده می‌شود، در تمامی دهک‌ها درصد خانوارهایی که از تلویزیون سیاه و سفید استفاده می‌کنند در طی دوره یاد شده کاهش و به همان نسبت درصد خانوارهایی که از تلویزیون رنگی استفاده می‌کنند افزایش یافته است. درصد خانوارهایی که از آب لوله‌کشی استفاده می‌کنند به طور چشمگیری افزایش یافته است. همچنین درصد خانوارهایی که از یخچال استفاده کرده‌اند به جز دهک اول، در سایر دهک‌ها افزایش خفیفی داشته است. در سال ۷۹ بیش از ۸۰ درصد از خانوارها از این وسیله استفاده کرده‌اند، در حالی که در سال ۸۲ این نسبت به بیش از ۹۵ درصد رسیده است. جدول شماره ۵ حاکی از

رشد سالیانه مخارج واقعی خانوارهای روستایی منتخب طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۹ می‌باشد. هم‌چنان‌که مشاهده می‌شود مخارج واقعی سالانه در کل نمونه ۲۳ درصد رشد داشته است. بیشترین درصد رشد سالانه در بین دهک‌های مخارج مربوط به دهک هشتم با ۲۹ درصد و کمترین رشد مربوط به دهک اول با ۱۳ درصد می‌باشد.

جدول ۵: رشد سالیانه مخارج واقعی خانوارهای روستایی طی دوره مورد مطالعه

دهک‌ها										کل خانوارها
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	
۱۳	۱۴	۱۵	۱۸	۲۰	۲۴	۲۶	۲۹	۲۴	۱۶	۲۳

به منظور ارائه تصویری از وضعیت فقر از معیار ارائه شده توسط رئیس دانا (۱۳۷۹) استفاده شد. براساس این معیار، خط فقر برای خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۹ برابر با ۲۶۴۸۴۰۰ ریال به ازاء هر فرد در سال در نظر گرفته شده است. این رقم با تعدیل صورت گرفته از طریق شاخص قیمت کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی برای سال ۱۳۸۲، ۴۰۴۸۴۰۰ ریال به‌دست آمد. براساس این معیار، درصد افراد فقیر در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۷۹/۸ درصد و ۴۵/۸ درصد به‌دست آمد. این اعداد بیان‌گر آن است که در فاصله زمانی مورد مطالعه، بیش از ۳۰ درصد افراد واقع در زیر خط فقر با افزایش مخارج (درآمد) توانسته‌اند خود را به آستانه فقر و یا بالای خط فقر برسانند.

۳-۳) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، تخمین تابع لاجیت

با توجه به داده‌های قابل دسترس و همچنین به تبعیت از ادبیات موجود در تصریح عوامل مؤثر بر فقر از متغیرهای ارایه شده در جدول شماره ۶ استفاده گردید. متغیرهای شغل سرپرست خانوار و متغیر مکانی استان به‌صورت متغیر موهومی در نظر گرفته شد. شغل سرپرست خانوار به سه گروه زراعت، دام‌پروری و سایر فعالیت‌های کشاورزی تقسیم گردید

که در آن سایر فعالیت‌های کشاورزی به عنوان مینا (صفر) و برای زراعت و دامپروری به ترتیب مقادیر ۱ و ۲ در نظر گرفته شد. برای تحصیلات، پنج ارزش در نظر گرفته شد، بدین ترتیب که برای سرپرست‌های فاقد، مقدار صفر در نظر گرفته شد و برای چهار سطح دیگر تحصیلات به ترتیب برای تحصیلات ابتدایی مقدار ۱، راهنمایی مقدار ۲، متوسطه مقدار ۳، و بالاتر از دیپلم مقدار ۴ در نظر گرفته شد. بر اساس تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای استان‌های مرکزی و خراسان از استان‌های گروه اول، استان‌های اصفهان و گلستان از میان استان‌های گروه دوم و استان اردبیل از گروه سوم انتخاب شدند. لذا در این جا نیز به منظور لحاظ کردن متغیر موهومی مکان از این طبقه‌بندی استفاده شد. در مورد این متغیر گروه سوم به عنوان مینا در نظر گرفته شد. نتایج حاصل از این تصریح در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج تخمین تابع لاجیت در مناطق روستایی کشور

انحراف معیار	ضریب	نام متغیر	
۰/۵۲۵	-۰/۲۳۰۱	عرض از مبدا	
۰/۰۰۴	۰/۰۰۳۵	سن سرپرست خانوار	
۰/۲۱۹	-۰/۰۹۴۵	جنس سرپرست خانوار	
۰/۰۰۴	۰/۰۳۴۴***	مجذور بعد خانوار	
۸/۸۱E-09	۵/۸۴E-08***	درآمد پولی کشاورزی	
۴/۰۸E-08	۱/۹۴E-07***	درآمد غیر پولی کشاورزی	
۰/۰۷	۰/۰۴۳۵	تعداد افراد محصل	
۰/۰۷۲	۰/۰۲۸۷	تعداد افراد شاغل	
۰/۳۰۸	۰/۹۸۷***	زراعت	شغل سرپرست خانوار
۰/۳۲۷	۰/۷۰۸**	دامپروری	
۰/۱۸۹	-۰/۹۶۵***	گروه اول	متغیر مکانی استان
۰/۱۹۵	-۰/۳۹۱**	گروه دوم	
۰/۰۶۱	۰/۳۷۱***	سطح تحصیلات سرپرست خانوار	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

از میان متغیرهای به‌کار رفته، تنها ضرایب متغیرهای سن، جنس، تعداد افراد شاغل و تعداد افراد محصل در سطح اطمینان ۹۰ درصد حائز اهمیت آماری نمی‌باشند، اما سایر متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مساعدت معنی‌داری به توضیح تغییرات متغیر وابسته می‌نمایند. در مورد مجذور بعد خانوار می‌توان گفت با فرض ثابت بودن سایر عوامل با افزایش بعد خانوار، احتمال قرار گرفتن خانوارهای جدید در گروه خانوارهای فقیر افزایش می‌یابد. همچنین این نتیجه حاکی از عدم وجود صرفه‌جویی ناشی از بعد خانوار در میان خانوارهای روستایی می‌باشد. در مورد درآمد پولی و غیرپولی کشاورزی (خود مصرفی، خود اشتغالی و...) می‌توان گفت که با افزایش هرکدام از آن‌ها احتمال ارتقاء خانوارها از زیر خط فقر به بالای خط فقر وجود دارد؛ یعنی این‌که امکان افزایش رفاه خانوارها از نظر مخارج و رفاه وجود دارد. البته ضریب این متغیرها بسیار پایین و نزدیک به صفر می‌باشد.

شغل سرپرست خانوارهای روستایی در قالب سه گروه زراعت، دامپروری و سایر فعالیت‌های کشاورزی در نظر گرفته شد. با تغییر فعالیت یک سرپرست خانوار از دیگر فعالیت‌های کشاورزی به زراعت به احتمال $9/8$ درصد خواهد توانست از زمره خانوارهای فقیر خارج گردد. این امر حاکی از آن است که فعالیت زراعت را می‌توان به‌عنوان فعالیت اصلی سرپرست خانوارها در مناطق روستایی در نظر گرفت که کشاورزان با انتخاب این شغل می‌توانند میزان رفاه خود را افزایش دهند. همچنین یک خانوار فقیر دارای سرپرست شاغل در بخش زراعت با فعالیت در بخش دامپروری به احتمال $8/70$ درصد به بالای خط فقر منتقل خواهد شد.

بر اساس ضریب سطح تحصیلات سرپرست خانوارها افزایش تحصیلات سرپرست یک خانوار به میزان یک سطح، احتمال انتقال آن از زیر خط فقر به بالای خط فقر را به میزان $1/37$ درصد افزایش خواهد داد. از این حیث می‌توان تحصیلات سرپرست خانوار را عامل مهمی در افزایش رفاه خانوارها تلقی نمود.

در مورد استان‌های منتخب، از آن‌جا که گروه سوم که در واقع حاوی بیشترین مخارج سرانه بود، به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شد، ضرایب متغیرهای موهومی گروه‌های دوم و

سوم منفی و موافق انتظار می‌باشد؛ یعنی با انتقال خانوارهای واقع در گروه سوم به هر یک از گروه‌های اول و دوم، احتمال این‌که خانوارهای واقع در بالای خط فقر به زیر خط فقر منتقل شوند وجود دارد که این امری بدیهی است که میزان این احتمال برای گروه‌های اول و دوم به ترتیب ۹۶/۵ و ۳۹/۱ درصد می‌باشد. نتایج حاصل از این متغیر نیز حاکی از وجود تفاوت میان مناطق مختلف می‌باشد و این تفاوت می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی تلقی گردد. دو متغیر دیگر این تصریح، تعداد افراد محصل و تعداد افراد شاغل می‌باشند که علی‌رغم مساعدت مثبت به احتمال بهبود شرایط رفاهی خانوارها از اهمیت آماری لازم برخوردار نیستند.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج، در حال حاضر طیف وسیعی از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر به سر می‌برند و لازم است در جهت حمایت از آن‌ها اقدام شود. ضمن این‌که نباید فراموش کرد که باید از بودجه محدود در جهت حمایت هدف‌مند و کارآمد استفاده شود. از این‌رو در صورت شناسایی ویژگی‌های گروه‌های هدف، می‌توان متناسب با ویژگی‌های گروه‌ها به بهره‌گیری مطلوب از سیاست‌های افزایش رفاه امیدوار بود. مهم‌ترین هدف مطالعه حاضر، ارزیابی تغییرات رفاهی و شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر در میان خانوارهای روستایی منتخب ایران بود. بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی میان دهک‌های درآمدی مختلف نیز از دیگر اهداف مورد نظر بود. روند تغییرات مخارج واقعی و سطح دسترسی به امکانات و ملزومات زندگی در دهک‌های مختلف حاکی از بهبود شرایط رفاهی خانوارها می‌باشد. اما به‌رحال برای ارتقاء آن به سطح مطلوب هنوز تلاش زیادی نیاز است. نتایج حاصل از این تخمین نشان داد که در مناطق روستایی با افزایش سن سرپرست خانوار، سرپرستی خانوار از سوی مردان، افزایش درآمد پولی و غیرپولی کشاورزی، انتقال اشتغال از سایر بخش‌ها به بخش زراعت، افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار، احتمال این‌که یک خانوار از زیر خط فقر به بالای خط فقر ارتقاء یابد، افزایش می‌یابد. علاوه بر

این، میان مناطق مختلف تفاوت‌هایی از نظر مکانی وجود دارد. در پایان بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

الف) ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی با جهت‌گیری به سوی دهک‌های درآمدی پایین؛

ب) توزیع یارانه میان گروه‌های فقیر، زیرا هنوز هم درصد بالایی از افراد زیر خط فقر قرار دارند؛

ج) با توجه به تفاوت در شرایط گروه‌های مختلف می‌توان در تدوین سیاست‌های حمایتی از برنامه‌ریزی مبتنی بر تفاوت‌های مکانی (استانی یا منطقه‌ای) بهره جست؛

د) انجام تبلیغات و اطلاع‌رسانی در جهت کاهش بعد خانوار؛

ه) شناسایی خانوارهای تحت سرپرستی زنان و حمایت ویژه از آنها. در این راستا از نتایج حاصل از فعالیت‌های سازمان‌هایی همچون بهزیستی و کمیته امداد نیز می‌توان استفاده کرد؛

و) تلفیق سیاست‌های فقرزدایی با سیاست‌های حمایت از تولیدکننده و لزوم توجه به اقتصاد کشاورزی در تحلیل برنامه‌های کاهش فقر روستایی.

- جانسون، ر. آ. و ویچرن، د. د. (۲۰۰۰)، *تحلیل آماری چند متغیری کاربردی* (ترجمه حسینعلی نیرومند)، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- رئیس دانا، ف. و مدنی، س. (۱۳۷۹)، *نقد و بررسی برنامه مبارزه با فقر*، مجموعه مقالات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- رئیس دانا، ف. (۱۳۷۹)، *زیر خط فقر در ایران*، مجموعه مقالات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- رئیس دانا، ف. (۱۳۷۹)، *نقد روش در پدیده شناسی فقر*، مجموعه مقالات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳)، *طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار*، تهران، مرکز آمار ایران.
- گجراتی، د. (۱۳۷۸)، *مبانی اقتصادسنجی* (ترجمه حمید ابریشمی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. (۱۳۷۵)، *بررسی اقتصادی یارانه*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. چاپ سوم.
- Amemiya, T. (1984), **Tobit Models: A survey**, Journal of Econometrics, 24.
- Byerlee, D. (2000), **Targeting Poverty Alleviation in Priority Setting for Agricultural Research**, *Food Policy*, 25.
- Datt, G. (1998), **Computational Tools for Poverty Measurement and Analysis**, FCND Discussion Paper, No. 50, <<http://www.ifpri.org>>.
- Greene, W.H. (1993), **Econometric Analysis**, 2nd Edition, New York, Macmillan.
- Gujarati, D. N. (1999), **Basic Econometrics**, City University of New York.
- Judge, G. (1988), **The Theory and Practice of Econometrics**, 2nd Edition, New York, John Wiley & Sons, Inc.
- Mukherjee, S. & Benson, T. (2003), **The determinants of poverty in Malawi, 1998**, *World Development*, 31(2).
- Otsuka, K. (2000), **Role of Agricultural Research in Poverty Reduction: Lessons from the Asian Experience**, *Food Policy*, 25.
- Ravallion, M. (2000), **Prices, Wages and Poverty in Rural India: What**

- Lessons Do the Times Series Data Hold for Policy?**, *Food Policy*, 25.
- Ravallion, M. (2002), **Short Communication on the Urbanization of poverty**, *Journal of Development Economics*, 68.
 - Srivasan, T. N. (2000), **Poverty and Undernutrition in South Asia**, *Food Policy*, 25.

